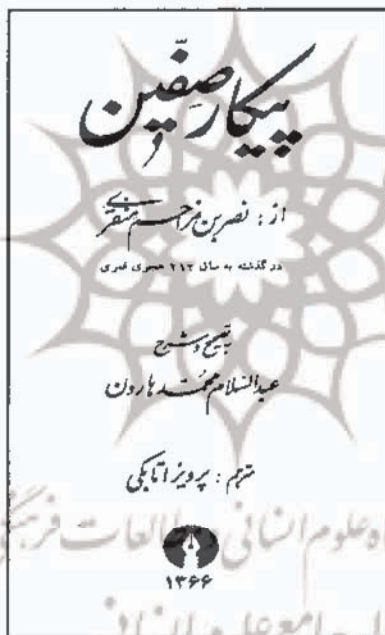




# الکتابین



- وقعة الصفین
- ابوالفضل نصرین مزاحم
- بن سيار (۴۲۷)
- ترجمه پرویز اتابکی
- انتشارات آموزش
- و انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶
- دکتر علی بیات

بسنده کرده‌اند که به عطاری اشتغال داشت.<sup>۲</sup> در وثاقت یا عدم وثاقت وی میان دانشمندان علم رجال اختلاف است. نجاشی<sup>۳</sup> و شیخ طوسی<sup>۴</sup> او را از راویان و مورخان شیعی دانسته‌اند. هر چند نجاشی ضمن آنکه او را به طریق هدایت و نیکوکار بودن می‌ستاید اما به روایت از ضعفاً متهمش می‌سازد.<sup>۵</sup> ابن حبان او را در شمار ثقات آورده<sup>۶</sup> و ابن ابی‌الحدید او را مورد اعتمادی راستین و درست‌گوی و از رجال اصحاب حدیث دانسته است.<sup>۷</sup> ابوحاتم گوید: حدیثش دستخوش گرایش و متروک است.<sup>۸</sup> و یاقوت او را از غالبان شیعی برمی‌شمارد.<sup>۹</sup> با این همه آنچه مسلم است اینکه وی مورخی است معتقد به شیعه، چنانکه عناوین آثارش: الغارات، الجمل، صفین، مقتل حجر بن عدی، مقتل حسین بن علی(ع) کتاب عین‌الورده، اخبار المختار و المناقب<sup>۱۰</sup> این معنا را ثابت می‌کند. هر چند که جز کتاب وقعة الصفین، دیگر آثارش برجای نمانده است، اما براساس همین کتاب می‌توان به روشنی به اعتقادات و تمایلات مذهبی وی پی برد.

از آنجا که مؤلف این اثر ارزشمند در عراق زاده شد و همانجا نشو و نما یافت و در فضای فکری و فرهنگی آن باید از حیث تاریخ‌نگاری به مکتب عراق وابسته است. مکتبی که توجه به تمایلات و جانبداریهای فکری -

کتابی است تاریخی درباره پیکار صفین به زبان عربی تألیف ابوالفضل (یا ابوالفضل: نجاشی، رجال، ۴۲۷) نصرین مزاحم بن سيار منقری از زیدین مناة، شاخه‌ای از قبیله بنوتمیم (زاده پس از ۱۲۰ - ۲۱۲ ق/ ۷۳۸ - ۸۲۷ م). از سال ولادت وی اطلاعی در دست نیست؛ اما از آنجا که مورخین او را هم عصر ابومخنف لوط بن یحیی در گذشته پیش از ۱۷۰ ق دانسته‌اند؛<sup>۱</sup> می‌توان گفت که سال ولادت وی پس از ۱۲۰ ق. بوده باشد. خاستگاه او کوفه بود، اما در بغداد سکونت گزید و از سفیان ثوری، شعبین حجاج، ابن الجارود و دیگران نقل حدیث و در نو جای از سیف بن عمر (صص ۱۹ و ۲۳ ترجمه) روایت کرد. او همچنین از برخی شخصیت‌های ساختگی در حوادث تاریخ صدر اسلام، خصوصاً پیکار صفین نام می‌برد که بنا به نظر علامه عسکری در کتاب یکصنو پنجاه صحابی ساختگی همه ساخته سیف‌بن عمر هستند و منشأ روایات مربوط به آنان به سیف می‌رسد، همچون: ابویحید نافع بن اسود، خزیمه بن ثابت انصاری، سماک بن خرشة جعفی، مالک بن ربیع و حارث بن مره عبیدی. پسرش حسین، نوح بن حبیب قومسی و گروهی از کوفیان نیز از او روایت کرده‌اند.<sup>۲</sup>

منابع تصویر روشنی از زندگانی وی به دست نمی‌دهند و به همین





سلسله اسناد بیشتر  
روایات نویسنده در این  
کتاب به رجال و راویان  
شیعی مانند اصبح بن  
نباته (ده روایت)، حارث  
بن حصیره ازدی (سیزده  
روایت)، صعصعة بن  
صوحان (سیزده روایت)،  
جابر بن یزید جعفی (سی  
و هفت روایت) و... منتهی  
می شود

رساله علوم انسانی



احاطه کامل به واقعه صفین مداخل و مخرج موضوع را به خوبی شناخته و انبوه اطلاعات خود را در هشت جزء به ترتیب زیر ساخته و پرداخته است: جزء اول: از ورود علی(ع) به کوفه و سامان دادن به اوضاع سیاسی - اجتماعی قلمرو حکومت خود آغاز و تا ارسال نمایندگانی به دمشق نزد معاویه جهت واداشتن وی به بیعت پایان می یابد.

جزء دوم، رایزنی ها و چاره جوییها، تبادل سفرا و نامه ها تا تدارک و تجهیز دو سپاه عراق و شام را دربرمی گیرد. جزء سوم به بسیج عمومی و حرکت دو سپاه به سوی صحنه پیکار (صفین) اختصاص یافته است که در ضمن آن بسیاری وقایع جنبی مرتبط به جنگ را هم ترسیم می کند.

جزء چهارم: مشتمل است بر آغاز پیکار و درگیری میان دو سپاه که با رجزهای جنگاوران دو سپاه حماسه ها جان می گیرد.

جزء پنجم: مؤلف با مهارت روحیه جنگاوری و رزم آوری دو سپاه و روح حماسی جنگ را به اوج می رساند.

جزء ششم: درگیریهای نظامی همراه با تلاشهای سیاسی دو سپاه و تبادل سفرا و نامه ها ادامه می یابد و با بن بست روبرو می شود.

جزء هفتم: در این جزء، عزم جزم سپاه عراق جهت یکسره کردن کار

سیاسی فرقه ای در آن بیش از سایر مکاتب نمایان است. زیرا در عراق خصوصاً در بصره و کوفه و بعد بغداد، فرقه های گوناگون اسلامی و حتی پیروان دیگر ادیان و مکاتب حضور فعال و چشمگیری داشتند. و رقابت مستمری میانشان برقرار بود. در این میان عراق و خصوصاً کوفه پایگاه مهم حضور شیعیان بشمار می رفت. نصرین مزاحم در چنین محیط و فضایی بسر می برد. سلسله اسناد بیشتر روایات او در این کتاب به رجال و راویان شیعی مانند اصبح بن نباته (ده روایت)، حارث بن حصیره ازدی (سیزده روایت)، صعصعة بن صوحان (سیزده روایت)، جابر بن یزید جعفی (سی و هفت روایت) و... منتهی می شود. اگر هم از راویان عامه چون شعبی، عامر بن شراحبیل (بیست و دو روایت) اخذ روایت می کند، روایات دلخواه و مورد قبول خود را گزینش می کند. از وجوه امتیاز این کتاب جز قدمت آن و اخذ روایات مربوط به یکی از مهمترین رخدادهای تاریخ صدر اسلام با دو یا سه واسطه از کسانی که خود در جنگ صفین حضور داشتند، سبک و اسلوب خاصی است که در تألیف و تدوین آن بکار رفته است. ضمن آنکه عنصر زمان، جان مایه تنظیم انبوه روایات است، پیوستگی و ارتباط موضوعی روایات با یکدیگر مورد غفلت واقع نشده است. مؤلف با

از وجوه امتیاز این کتاب جز قدمت آن و اخذ روایات مربوط به یکی از مهمترین رخدادهای تاریخ صدر اسلام با دو یا سه واسطه از کسانی که خود در جنگ صفین حضور داشتند، سبک و اسلوب خاصی است که در تألیف و تدوین آن بکار رفته است. ضمن آنکه عنصر زمان، جان مایه تنظیم انبوه روایات است، پیوستگی و ارتباط موضوعی روایات با یکدیگر مورد غفلت واقع نشده است

مثنوی‌ای در اخلاق و حکمت و مواظب امیرالمؤمنین در ۱۳۰۱ ش. در ایران به صورت سنگی چاپ شد.<sup>۱۳</sup> بار دیگر براساس چاپ سنگی ایران در ۱۳۰۴ ق، در چاپخانه عباسیه بیروت به چاپ رسید. تا آنکه عبدالسلام محمد هارون محقق مصری با استخراج متن کامل آن از شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید و مقابله و تطبیق آن با چاپ نخست به تصحیح و چاپ مجدد آن با اسلوبی علمی در یک جلد به سال ۱۳۶۵ ق. همت گماشت و با تهیه شش فهرست اعلام، قبایل و طوایف، شهرها و نام جایها، اشعار، رجزها و موضوعات به مزایای علمی آن بیش از پیش افزود.

این اثر تاکنون سه بار به فارسی بازگردان شده است. نخست تحت عنوان «سندس و استبرق» به قلم شیخ محمد مهدی مسجدشاهی در ۲۱۸ صفحه که در ۱۳۴۵ قمری به صورت چاپ سنگی در اصفهان منتشر شد. بازگردان دوم به نام «واقعه صفین در تاریخ» توسط کریم زمانی در ۲۱۷ صفحه به سال ۱۳۶۴ ش. در تهران صورت گرفت. این دو ترجمه به سبب حذف پارهای مطالب چون اسناد روایات، اشعار و رجزها ناقص‌اند. بازگردان سوم به کوشش دکتر پرویز تائبی به شکلی وزین و شایسته به سال ۱۳۶۶ ش. در ۸۱۹ صفحه در تهران به انجام رسید.

پی‌نوشتها:

- ۱ - ابن‌الندیم، الفهرست، ۱۰۶
- ۲ - خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۲۸۲/۱۳ - ۲۸۳
- ۳ - ابن‌الندیم، الفهرست، ۱۰۶
- ۴ - رجال، ۴۲۷ - ۴۲۸
- ۵ - الفهرست، ۱۷۱ - ۱۷۲
- ۶ - همانجا
- ۷ - ابن حجر، لسان المیزان، ذیل نصرین مزاحم
- ۸ - شرح نهج البلاغه، ۱/ ۱۸۳
- ۹ - ابن حجر، همانجا
- ۱۰ - معجم‌الادبای، جزء ۱۹/ ۲۲۵
- ۱۱ - الفهرست، ذیل نام نصرین مزاحم
- ۱۲ - محمدبن اسماعیل، منتهی المقال، ۳۱۷
- ۱۳ - متن عربی کتاب، ۱۷۴
- ۱۴ - همانجا، ۲۵۸
- ۱۵ - همانجا، ۳۳۰
- ۱۶ - همانجا، ۴۳۳
- ۱۷ - نک: شیخ‌افاقا بزرگ، الذریعه، ۵۲/ ۵۳ - ۵۲

جنگ و برتری روحیه و قدرت رزمی آنان تا پیکار ليله‌الهریر که سرنوشت‌سازترین مقطع پیکار بود، نشان داده شده است. و با حيله بالا بردن قرآنها و گفتگو بر سر داوری (حکمت) به انجام رسیده است.

جزء هشتم: در این جزء تراژدی دردناک و غمناک پایان جنگ و حکمت و آثار و پیامدهای آن از جمله ظهور فرقه محکمه ترسیم شده است.

مؤلف این اثر علاوه بر اطلاعات ارزشمندی که درباره پیکار صفین به خواننده عرضه می‌دارد، اولاً بسیاری زوایای مبهم زندگی علی(ع) خصوصاً در دوره حکومتش را با نقل و ضبط شمار قابل توجهی از خطبه‌ها و نامه‌های آن حضرت - و با توجه به ملازمت و شرایط تاریخی آنها - روشن می‌سازد. و از این رهگذر پژوهشگران را در فهم صحیح اغراض خطب و نامه‌های علی(ع) رهنمون می‌شود. ثانیاً به بسیاری از امور اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه نظامی پرداخته است. او گاه چنان دقیق به گزارشگری از تاکتیک‌های جنگی و روانی، شیوه آرایش سپاه، رجزها، هجوها و سوگواریها و تصویرپردازی از جامعه‌ها، اسلحه‌ها، آلات جنگی، وصف اسبها و... می‌پردازد که پس از دوازده قرن می‌توان به آسانی، رخدادهای حوادث و صحنه‌های این پیکار را بازسازی کرد. به طور مثال به عبارت زیر می‌توان توجه کرد:

«و اشتر آن روز بر اسبی بریده دم سوار بود که به زاغی سیاه شباهت داشت»<sup>۱۳</sup> و «مردی بر فراز سر معاویه به نگره‌بانی ایستاده بود که سپری زرین در دست داشت و آن را سایبان وی قرار داده بود».<sup>۱۴</sup> «معاویه عیبالله بن عمر را با چهار هزار و سیصد جنگاور فرستاد و آن فوجی سبزپوش نگارین جامه بود که به سبزپوشان خوانده می‌شدند»<sup>۱۵</sup> «سعیدبن قیس ندا درداد: ای همدانیان پای آنان را پی کنید. تیغ‌ها بیای پای عکبان را قطع می‌کرد. در این هنگام ابومسروق عکی بانگ زد: ای عکبان آنگونه که شتران زانو می‌زنند به زانو درآئید. همگی به زانو درآمدند و سپرها را برابر گرفتند و با نیزه‌ها مهاجمان را می‌زدند»<sup>۱۶</sup>

این کتاب به روش بازخوانی متن به طریق روایی زیر همچنانکه در آغاز هر هشت جزء آمده است، روایت شده است:

«شیخ حافظ، شیخ‌الاسلام، ابوالبرکات، عبدالوهاب بن مبارک... انطاطی گفت: شیخ ابوالحسن بن مبارک... صیرفی به (روش) بازخوانی من بر او در ماه ربیع‌الآخر سال چهارصنو هشتاد و چهار ما را خبر داد و گفت: ابویعلی احمدبن عبدالواحد... به (روش) بازخوانی بر او که من هم می‌شنیدم در رجب سال چهارصنو سی و هشت ما را حدیث کرد و گفت: ابوالحسن محمد بن ثابت... صیرفی به (روش) بازخوانی بر او که من نیز می‌شنیدم ما را خبر داد و گفت: ابوالحسن علی بن محمد... به (روش) بازخوانی من بر او در سال سیصدو چهل ما را خبر داد و گفت: ابومحمد سلیمان بن ربیع... خزار ما را خبر داد و گفت: نصرین مزاحم تمیمی ما را خبر داد و گفت...»

این کتاب نخستین بار به کوشش سید فرج‌الله کاشانی همراه با

